



شرافت ماه رجب در کلام میرزا جواد آقا ملکی تبریزی

خدای متعال در آسمان هفتم فرشته‌ای را قرار داده است که «داعی» گفته می‌شود. هنگامی که ماه رجب آمد، این فرشته تا صبح می‌گوید: خوشا بحال تسبیح کنندگان خدا، خوشا بحال فرمانبرداران خدا.

خدای متعال در آسمان هفتم فرشته‌ای را قرار داده است که «داعی» گفته می‌شود. هنگامی که ماه رجب آمد، این فرشته تا صبح می‌گوید: خوشا بحال تسبیح کنندگان خدا، خوشا بحال فرمانبرداران خدا.

به گزارش خبرنگار مهر، امروز اول رجب المرجب است. ماه رجب یکی از ماه‌های حرام است. ماهی است که زمان دعا است. این ماه، ماه امیرالمومنین علیه السلام است و سایه رحمت الهی بر تمامی بندگان خود گسترانده شده است. فضیلت ماه رجب و مناسبت‌های آن از زبان میرزا جواد آقا ملکی تبریزی در کتاب المراقبات که شامل ادعیه و نمازها و ذکرهای ماه رجب می‌شود، آمده است.

میرزا جواد ملکی تبریزی در اهمیت شرافت ماه رجب و ندای ملک داعی چنین نوشته است:

یکی از مراقبت‌های مهم در این ماه به یاد داشتن حدیث «ملک داعی» می‌باشد که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«خدای متعال در آسمان هفتم فرشته‌ای را قرار داده است که «داعی» گفته می‌شود. هنگامی که ماه رجب آمد، این فرشته در هر شب این ماه تا صبح می‌گوید: خوشا بحال تسبیح کنندگان خدا، خوشا بحال فرمانبرداران خدا، خدای متعال می‌فرماید: همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند، فرمانبردار کسی هستم که فرمانبردارم باشد و بخشنده خواهان بخشایش هستم. ماه ماه من بنده بنده من و رحمت رحمت من است. هر کسی در این ماه من را بخواند او را اجابت می‌کنم و هر کس از من بخواهد به او می‌دهم و هر کس از من هدایت بخواهد او را هدایت می‌کنم. این ماه را رشته‌ای بین خود و بندگانم قرار دادم که هر کس آن را بگیرد به من می‌رسد».

افسوس از کوتاهی ما در طاعت خدا کجایند شکرگزاران کجایند تلاشگران آیا عاقلان توان فهم حق این ندای آسمانی را دارند چرا جوابی نمی‌شنوم کجایند عارفانی که می‌دانند کسی توان شکر این نعمت را ندارد کجایند کسانی که اقرار به کوتاهی و عجز دارند که در جواب این منادی آسمانی بگویند: اجابت کرده و یاریت می‌کنیم درود و سلام بر تو ای منادی خدای زیبا و جلیل، شاه شاهان، مهربان‌ترین مهربانان، خدای بردبار و کریم، رفیق دلسوز، صاحب عفو بزرگ، تبدیل‌کننده بدی‌های انسان به خوبیها اینان بندگان گناهکار و طغیانگر، پست و اسیر شهوت‌ها و غفلت‌ها می‌باشند ای فرستاده بزرگ خدا مردگان بظاهر زنده را صدا می‌کنی کسانی که قلب‌هایشان مرده و عقل‌هایشان جدا و روح‌هایشان فاسد شده چرا مردگان را صدا می‌زنی کسانی که صدای تو سودی به آنان نمی‌رساند مگر اینکه با ندای تو قلب‌ها زنده شده، عقل‌ها بازگشته و روح‌ها بیدار شود و درباره ارزش و بهای گران این ندای آسمانی و بزرگی پروردگار و پستی نفس و سختی آزمایش و بدی حال خود بیندیشند.

آنان شایسته راندن و دور نمودن و لعنت و عذاب هستند، ولی وسعت رحمت پروردگار باعث این دعوت بزرگ شده است، آن هم با این زبان و بیان لطیفی که بالاتر از تصور انسان و خواسته و آرزوی اوست. اکنون با واسطه قرار دادن این ندای آسمانی و لطف بزرگ از خدا می‌خواهیم ما را موفق به اجابت این دعوت و کرامت بزرگ بدارد.

ای وعده دهنده سعادت با خوش آمد گویی و کمال میل و جانفشانی ندای تو را اجابت می‌کنیم زیرا ما را به تسبیح کردن مالک کریم خود توجه دادی و ما را ترغیب به اطاعت از مولای مهربان خود کردی و ما را به کرامت پروردگار رساندی. ای منادی زبان حال افراد پست پاسخ می‌دهند که ما را بهره‌مند ساخته و بزرگ‌داشتی و دعوت به بزرگترین سعادت‌ها نمودی. پستی و فساد و کوچکی ما کجا و تسبیح و تمجید خدایمان کجا خاک کجا و رب‌الاریاب کجا آلوده به پلیدی‌ها کجا و مجلس پاکان کجا و اسیر در زنجیر کجا و منزل آزادگان کجا؟ ولی لطف پروردگار باعث شده تا به ما اجازه تسبیح خود را بدهد. و حکمت او ما را مشرف به این تکلیف کرده است.

چه رسوایی بزرگی اگر بعد از این بخشش بزرگ در تسبیح او کوتاهی و در فرمانبرداری او سستی کنیم چه آقای کریمی و چه بنده‌های پستی، چه خدای بردبار و چه بندگان کم‌عقلی با گوش دل شنیدیم آنچه را از پروردگار به ما رساندی که «من همنشین کسی هستم که با من همنشینی کند» در حالی که بزرگی این ابلاغ هر زبانی را در عالم امکان و در تکلیف جواب آن،

لال کرده و عاقلان از زیبایی این کرامت متحیر شدند. اگر هر کدام از مشرف شدگان به این خطاب دارای بدن تمام جهانیان و روح های تمام صاحبان روح بودند و تمام آن را در جواب و برای بزرگداشت این خطاب فدا می کردند، چیزی از حقوق آن را ادا نکرده و شکر حتی جزئی از آن را نمی توانستند بجا آورند. پس چرا انسان بیکاره پست از اجابت این دعوت غفلت می کند و در استفاده از این منزلت و مقام بزرگ کوتاهی می کند و به این هم بسنده نموده و بجای تمجید و تسبیح خدا، کسی را تمجید می کند که تمجیدش مستوجب آتش بوده، و به جای همراهی با فرشته های نزدیک خدا و پیامبران، در مجلسی که پروردگار جهانیان حضور دارد، به قرین شدن با جن ها و شیطان ها در میان طبقات جهنم راضی می شود.

عجیب تر از این دیده ای دیده ای که خالق مخلوق را برای همنشین خود بخواند ولی مخلوق اجابت نکند و در حالی که آقا مناجات بنده و انس او را دوست دارد، بنده از قبول عنایت او خودداری کند پس با تأسف و اعتراف به غفلت های خود و با ناچاری جواب می گوئیم: بله، ای پروردگار و آقا و ای مالک و مولا اگر توفیق تو نصیب ما شده و در این دعوت عنایت تو شامل حال ما شود و با این دعوت ما را به کرامت برسانی - چنانچه از کرم تو جز این انتظار نمی رود و از کمال بخشش تو جز این انتظاری نیست - چه سعادت بزرگی که در این صورت به بالاتر از آرزوی خود می رسیم. ولی وای بر ما اگر جز این باشد در این حالت چه کنیم با این تیره روزی و مجازات دوری از رحمت حق پس می گوئیم: و هیچ خدایی جز تو نیست. تو را تسبیح و تمجید می کنیم. ماییم ستمگران. خدایا به خود ستم کردیم و اگر ما را نبخشی و به ما رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود.

بلکه بناچاری بیشتر جسارت کرده، ذلت و پستی خود را آشکار نموده، با قسم های بزرگی نیز آن را تأکید کرده و عرض می کنیم: قسم به عزت و جلالت ای پروردگار ما حتماً از دستورات تو سرپیچی، خود را هلاک کرده و بر تو می شوریم و فاسد می شویم، اگر با توفیق خود ما را نگهداری نکنی و با عنایت خود بر ما خوبی نکنی. زیرا توان و نیرویی نیست مگر با یاری تو.

پس از این با توفیق تو بیشتر گفته و با یاری تو در خواستن خود پافشاری می کنیم و به جناب قدس تو که نه، بلکه به حضرت رحمت و لطف بخاطر جلب عطف آقای خود و نازل شدن رحمت پروردگار خود عرضه می داریم: ای کریم ترین کریمان و ای بخشنده ترین بخشندگان ای کسی که خود را لطف نامیده است این منادی ما را در این ماه بزرگ به کرم تو دعوت و به لطف و رحمت اشاره و بزرگواری و بزرگداشت تو را برای ما گفت (ماه من است و بنده بنده من و رحمت رحمت من) بنابراین با این دعوت ما میهمانان دعوت شده تو و درماندگان درگاہت گردیدیم.

و تو کسی هستی که دوست نداری میهماندار از میهمان خود پذیرایی نکنی، گرچه میهمان بر اثر عدم پذیرایی از بین نرود و میهماندار از کسانی باشد که پذیرایی دارایی او را کم کند. و اگر از ما پذیرایی نکنی، در پناه تو گرسنه مانده و از بین می رویم در حالی که پذیرایی و احسان دارائیت را بیشتر می کند. ای کسی که نیکوکاری چیزی از او کم نکرده و محروم نمودن چیزی به او اضافه نمی کند ما را بخاطر بدیمان مجازات مکن. کسی هستی که بھای بیشتری به من دادی و به کسانی که مهمان نبوده ولی مضطر باشند، وعده اجابت دادی و در کتابت وعده بر طرف کردن گرفتاری آنان را دادی و اکنون ای پروردگار ما محتاج بخشایش تو و نجات از مجازات دردناکت می باشیم و هیچ نیاز و اضطراری بالاتر از این اضطرار نیست.

پس کجاست اجابت و بر طرف کردن گرفتاری ای بخشاینده دست ما را بگیر و از ورطه هلاکت شدگان و سقوط زیانکاران نجات ده. و چنانچه ماه، ماه تو، بنده، بنده تو و رحمت رحمت تو است، دست زدن و گرفتن طناب نجات تو نیز تنها با توفیقی از جانب تو میسر است. زیرا تمام خیرها از تو بوده و در غیر تو یافت نمی شود. از کجا به خیر برسیم در حالی که خیری یافت نمی شود مگر از ناحیه تو و چگونه نجات پیدا کنیم در حالی که کسی نمی تواند نجات یابد مگر با کمک تو.

ای کریم اگر عدل تو ما را اجابت نموده ولی ترازوی حکمتت ما را رد کند و بگوید: فضل و بخشش بر شما خلاف حکمت و موفق نمودن شما خلاف عدالت در قضاوت است زیرا سزاوار فضل و بخشش نبوده و خوبی به شما کار درستی نیست بخاطر این که گناهان روی شما را سیاه و غفلت از یاد من قلوب شما را تیره و دوستی دنیا نفس و عقل شما را مریض کرده و رحمت من گرچه شامل هر چیزی هست ولی مگر سخنم را در کتابم نشنیدید که: رحمتم را برای متقین قرار می دهم و من گرچه ارحم الراحمین و بخشنده مهربانی هستم ولی مجازاتم نیز سخت و شدید است و اگر حکمتم در میان آفریدگانم نبود که اهل عدل و فضل را از دیگران جدا نمایم در کجا زیبایی و بزرگی من به روشنی آشکار می شد، ما نیز در جواب قضاوت حکمتت با آموزش و یاری تو می گوئیم: شکی نیست که سزاوار فضل و بخشایش تو نیستیم اما ای کریم اگر سزاوار فضل بودن شرط بهره مندی از فضل تو بود هیچگاه فضل تو در جهان آشکار نمی شد. زیرا غیر تو بجز از جانب تو نه خیری دارد و نه سزاوار چیزی است سزاواری فضل تو نیز فضلی است از جانب تو و امکان ندارد فضل از سزاوار فضل بودن به وجود آید. و در مورد سیاهی چهره و تیرگی قلب هایمان نیز به همین صورت جواب می دهیم زیرا تمامی نورها در تو و از جانب تو است.

بنابراین اگر ما را نورانی نکنی چگونه نورانی شویم و اگر ذره ای از نور و روشنی خود را به ما عنایت فرمایی و ما را با دادن ذره ای از زندگی خود، بزرگ بداری ما را زندگی و شفا داده و کامل و نورانی خواهی نمود. و آیه قرآن (رحمت خود را برای متقین قرار می

دهم) نیز با امیدواری و آرزوها و دعای ما منافاتی ندارد. زیرا ما نیز توقع داریم از فضل خود به ما تقوی عنایت فرمایی. چنانچه به متقین عطا فرمودی و سپس رحمتت را نصیب ما سازی. وانگهی این فرمایش تو فقط تصریح می کند که رحمت خود را برای افراد با تقوا قرار داده ای و نفرموده ای که غیر آنها را از رحمت خود بهره مند نمی سازی. و در جواب این که اگر اهل فضل و عدل را از دیگران جدا نکنم، زیبایی و بزرگی در کجا بروشنی جلوه می کنند، می گوئیم برای آشکار شدن بزرگی، عدل و مجازات تو کافی است ستیزه گران و کسانی را که از روی تکبر تو را عبادت نمی کنند، مجازات نمایی و با عدلت با آنان رفتار نمایی تا بزرگی و عدل تو بخوبی آشکار شود، و غیر از من افرادی داری که آنان را مجازات نمایی ولی من کسی را بجز تو ندارم که به من رحم کند.

اقرار کنندگان به آنچه می خواهی و گدایان و دعا کنندگان و امیدواران و اهل ترس و حیای از تو کجا و آشکار شدن بزرگی کجا؟ بخصوص که، اگر چه گناهکاریم ولی به اولیا و دوستان فرمانبرداری متوسل می شویم و رویمان گرچه سیاه است ولی با روی پاک دوستان پاکت که نزد تو درخشان است به تو توجه می کنیم و دل های ما گرچه تاریک است ولی از نور بندگان عارف به تو، روشنی می گیریم. و اگر دوستی دنیا دل های ما را مریض و عقل های ما را نابود کرده، ولی محبت اولیای تو آن را زنده کرده و اگر فضل تو در بندگان چنگ زنده به دستگیره فضل و دامن کرمت آشکار می شود، چه اشکالی دارد که فضل آنان نیز در اهل ولایت آنان که به دستگیره محبت آنان چنگ زده اند، ظاهر شود.

و اگر عدل تو در مورد ثبوت ولایت آنان، با ما بحث کند، گرچه معلوم نیست ولایت آنان در ما باشد، ولی شکی نیست که دشمنان تو و دشمنان آنها فقط بخاطر ولایت آنان با ما دشمنی می کنند. و مدت زیادی بخاطر اولیای تو ما را آزار دادند. و همین مقدار کافی است که به دامن عفو و دستگیره فضل و کرمت و رشته اولیای چنگ زنیم.

بنابراین بخاطر فضل و کرمت و بخاطر مقام اولیای، محمد و آل او، صلواتی بی پایان بر آنان فرست، صلواتی که با آن گناهان ما را آمرزیده عیب های ما را اصلاح و عقل و نور ما را با آن کامل کنی و خود و آنان را به ما بشناسانی و ما را به خودت و آنان نزدیک نمایی و مقام ما را در همنشینی با آنان نزد خود بالا ببری، و با این صلوات از ما خوشنود شده آنچنانکه هیچگاه از ما خشمگین نشوی تا در حالی که از تو راضی بوده و تو نیز از ما راضی باشی بر تو وارد شویم، و ما را به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ملحق نمایی همراه با شیعیان نزدیک و اولیای گذشته آنان در جایگاه راستی نزد پادشاه توانا - که در آنجا از نعمتها بهره مندند - و بر محمد و آل پاک او صلوات فرست که هر چه خدا خواهد، همان است و قدرتی جز او نیست».

از دیگر مراقبتها در این ماه این است که سالک معنی ماه حرام را بداند تا مواظب تمام کارها و حالتها و حتی اموری که وارد قلبش می شود باشد. و بداند که سه ماه رجب، شعبان و رمضان ماه عبادت است. بنابراین سزاوار است طالبان علم در آن ماه ها عبادت را مقدم بر تحصیل علم نمایند، گرچه تحصیل علم نیز از برترین عبادتها است.